

## قدرت نمائی اسماعیل خان در هرات پس از سقوط طالبان



اسماعیل خان

در این مقاله به گذشته و دوره جهاد اسماعیل خان و روابط او با سازمانهای استخباراتی کشورهای منطقه و نیز نیروهای شوروی در زمان اشغال، اشاره می نشده است و فقط بر کارکردهای او بعد از سقوط طالبان و برگشت او از ایران و جنگ انداختن برهات و عملکردهای او در این ولایت تماس گرفته شده است. این نوشته بر اساس گزارشهای خبرنگاران رسانه های معتبر بین المللی و گزارش های نهادهای دفاع از حقوق بشر سازمان ملل متحد، بطور فشرده تالیف شده است.]

یکی از جنگسالاران ائتلاف شمال، اسماعیل خان، وزیر انرژی و آب افغانستان است که بعد از شکست از دست طالبان در ۱۹۹۵ به ایران فرار کرد و پس از سقوط طالبان او برهات تسلط یافت و در زمان فرمانرواییش در هرات قوانین اسلامی را سختگیرانه تر از زمان طالبان بر شهروندان هرات اعمال و تحمیل میکرد.

وی با قساوت و استبداد کم نظیری بر مردم هرات حکومت کرد و سد آهنینی در جلو آزادی های مدنی مردم هرات شمرده میشد. عواید سرشار گمرکات هرات به وی امکان داده بود که با تشکیل یک اردوی شخصی سی هزار نفره از ملیشه های محلی در آن ولایت از نفوذ و قدرت زیادی برخوردار شود. وی خویشن را امیر حوزه غرب لقب داده بود و ولایات غور، بادغیس و فراه و نیمروز را تابع ولایت هرات ساخته بود و والیان آن ولایات را واداشته بود تا بجای حکومت مرکزی از او فرمان ببرند (دولتی در درون دولت). سفرهای مستقلانه وی به تهران و ترکمنستان و عقد قراردادهای اقتصادی و تخنیکی با مقامات آن دو کشور، به وضوح به معنی برسمیت نشناختن دولت مرکزی و دوری جستن از دولت مرکزی تلقی میشد. کنار کشیدن او از حکمروائی مستقلانه در غرب کشور، شاید یکی از دست آوردهای تاریخی دولت مرکزی با کمک دوستان بین المللی او باشد.

حامد کرزی در تاریخ ۲۴ اکتوبر ۲۰۰۲، در مراسم افتتاح سمینار رؤسای محاکم ولایات افغانستان به فرماندهان و مسولین ولایات که از او امر دولت مرکزی سرکشی میکردند، هوشدار داده گفت: «در اکثر نقاط کشور منازعه و جنگ قوماندانان به خاطر دست آوردن عواید گمرکات و مالیات دولتی است.» او علاوه کرد که: «فرماندهان مسلح برای بدست آوردن پول می جنگند و مردم بیگناه در میان آتش جنگ آنان جان میدهند. کسانی که جنگ میکنند پول کافی دارند و تنها سرمایه جمع میکنند و از ریختن خون زن و مرد این ملت هیچ باکی ندارند و وجود شان از خون ملت فربه شده، اما باز هم رحم ندارند. اگر فرماندهان فکر میکنند که کرزی با این همه مشکلات باقی ماندن در ارگ را ترجیح میدهد، اشتباه میکنند.» در اینجا کرزی سوگند یاد نمود که: «هر ثانیه بودن در ارگ برایش چون جهنم است، آنها باید بدانند که دیگر برایشان موقع نیست.»

آقای کرزی گفت: «شش ماه اداره مؤقت را با همه نا بسامانی هایش تحمل کردیم و در لویه جرگه نیز به ملت افغانستان و جهانیان وعده سپردیم که در افغانستان، عدل و انصاف و امنیت را تأمین میکنیم، اما در بسا موارد عدل و انصاف و امنیت وجود ندارد. عامل بی انصافی و نا امنی و نابسامانی، کسانی اند که به امضای من در پست های دولتی مقرر شده اند.» رئیس دولت انتقالی افزود که ۷۵ هیئت صلح از طرف دولت به ولایات کشور فرستاده شده که محتوای گزارشات همه آنان یکسان است: یعنی مردم با هم همبسته اند ولی از والیان و فرماندهان امنیتی شکایت دارند. آقای کرزی در بخشی از سخنان خود گفت: به یاد دارم که از وحشت چند نفر طالب بکشورهای دیگر فرار کرده بودند ولی اکنون که با حمایت مردم افغانستان دوباره بقدرت رسیده اند، بر آنها ظلم میکنند.» (آر اس خبری باختر ۱۲ اکتوبر)

منظور کرزی از این تذکر، جنرال دوستم و اسماعیلخان و عطامحمدنور بودند که از دست طالبان اولی به ترکیه و دومی به ایران و سومی به کولاب تاجیکستان فرار کرده بودند، ولی اکنون که دوستم بر تخت قدرت شبرغان و اسماعیل خان بر تخت هرات و عطانور بر سریر قدرت بلخ قرار گرفته بودند، هر سه نفر دست به تصفیه های قومی میزدند و اطاعت از کرزی را برای خود عار میدانستند.

رادیو بی بی سی شام ۱۵ دسامبر ۲۰۰۲ گزارش داد که: حامد کرزی، رئیس دولت انتقالی افغانستان، با صدور فرمانی، فعالیت رهبران سیاسی را در زمینه های نظامی ممنوع اعلام کرده است. در این فرمان که فوراً بمرحله اجرا در می آمد، آمده بود که مقامات کشوری و لشکری حق ندارند در هر دو زمینه نظامی و غیر نظامی فعالیت داشته باشند. بگفته

خبرنگاران، این اقدام آقای کرزی را می توان کوشش اساسی برای کنترل فرماندهان قدرتمند محلی در افغانستان تلقی کرد. بر مبنای این فرمان، می بایستی آقای دوستم و اسماعیل خان و گل آقا شیرزی و فهیم وزیر دفاع، از یکی از دو پُست فعلی خویش مثلاً از پست نظامی صرف نظر کنند، در غیر این صورت آنها تا زمانی که نظامی باقی بمانند و بر تشکیلات شبه نظامی خود تکیه داشته باشند، نمی توانند انتظار عنوان و موقعیت مهمی را در دولت فعلی داشته باشند. (رادیو بی بی سی ۱۶ دسمبر ۲۰۰۲)

در تاریخ ۱۷ دسمبر دو نفر از فرماندهان مقتدر یعنی گل آقا شیرزی و عبدالرشید دوستم اطاعت خود را از فرمان حامد کرزی ابراز داشتند و شیرزی والی قندهار گفت: او تمام فرامین و دستورات دولت انتقالی را می پذیرد و بزودی تصمیم خود را مبنی بر انتخاب یکی از این دو پست اعلام خواهد کرد، ولی از طرف اسماعیل خان جوابی در رابطه به این فرمان داده نشد. این در حالی بود که سازمان نظارت بر حقوق بشر، یک بار دیگر از شیوه حکومت اسماعیل خان در هرات و از نحوه برخورد او نسبت به زنان در گزارش تازه خود انتقاد کرده بود و این انتقاد در نشست اسلو (در ۱۷ دسمبر ۲۰۰۲) به حیث حربه بی علیه عملکرد دولت انتقالی حامد کرزی بکار رفت و منجمله حکومت ناروی، اعطای کمک ۵۵ میلیون دلاری خود را به افغانستان در سال ۲۰۰۳، منوط به رعایت حقوق زنان در امور اجتماعی و سیاسی وانمود کرد. (در کنفرانس اسلو ۲۰ کشور صنعتی جهان اشتراک ورزیده بودند و یک میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار کمک به افغانستان برای سال ۲۰۰۳ متعهد شدند). (جام جهان نما، ۱۷BBC دسمبر)

گفته میشود اسماعیل خان عواید گمرک هرات را که روزانه بین سی تا پنجاه میلیون دالر میشد، همه را به حساب شخصی خود ذخیره میکرد و از گاو غنودی برای ساختن پارک ملت و یا بنای یاد بودی از شهدای جهاد، ویا بکشیدن خیابان و چارسوقی که هزینه تمام آنها به اندازه یکروزه عواید گمرک هرات نمیشود بمصرف میرساند. چرا جناب امیر صاحب با وجود درخواست رئیس دولت تا اخیر حاضر نگردید لیست دارائی های منقول و غیر منقول خود را ارائه کند؟ بماند آنچه در بانک های خارج ذخیره دارد.

بی بی سی از قول وزیر مالیه گزارش داد که، در سال ۲۰۰۲ گمرکات افغانستان معادل ۲۶۰ میلیون دالر درآمد داشته اند، ولی وزیر مالیه ضمن مصاحبه ای در پایان سال ۲۰۰۶ گفت اکنون گمرکات افغانستان سالانه بیشتر از چهارصد میلیون دالر عواید دارد. وزیر مالیه اشاره نمود که قبل از این ۳۷۰ میلیون دالر به جیب زمامداران محلی هم مرز باکشورهای همسایه میریخته است.

اسماعیل خان سرانجام مجبور شد ظاهراً به ولایت داری اکتفا کند و از بخش نظامی (هرچند نیروهای نظامی همه از او اطاعت میکردند) صرف نظر کند. اسماعیل خان که امارت را بر ولایت ترجیح میداد به عنوان "امیر" حوزه غرب به سفرهای رسمی بدون استیذان مرکزیه ایران و ترکمنستان می پرداخت و با طرف های خارجی قراردادهای اقتصادی و تجاری می بست و دولت مرکزی را به هیچ میگرفت. رئیس حکومت انتقالی حامد کرزی که از این اجرات امیر صاحب خواهی نخواهی رنج می برد، وی را به حیث وزیر معادن و صنایع در کابینه خود جای داد، اما امیر صاحب از قبول این پست سرباز زد و در خانه نشست. با آنکه سفیر امریکا خلیزاد به هرات رفت و به دلجوئی او پرداخت، مگر اوراضی نگردید. در هرات والی دیگری مقرر شد، اما حضور این والی بر امیر صاحب ناگوار آمد و عده ای از هوادارانش را دستور داد دست به تظاهرات خشونت آمیز بزنند. هواداران امیر صاحب دست به آشوب زدند و تعدادی از عمارات دولتی و نهادهای امداد رسانی بشمول نهاد حقوق بشر را همراه با ماشین های شخصی مردم به آتش کشیدند.

امریکا که از مدتها قبل میخواست بر میدان هوایی شیندند تسلط داشته باشد ولی اسماعیل خان مانع حضورش بود، در چنین فرصتی، برای خاموش کردن آشوب اسماعیل خان و تامین امنیت بسرعت توسط هلیکوپتر از هوا به هرات رسید و به تظاهر کنندگان اخطار داده شد تا

متفرق شوند مگر تظاهر کنندگان دست از خشونت نگرفتند، بنابراین بر تظاهر کنندگان از هوا آتش گشودند و باکشتن ۴۰ تا ۵۰ تن از شورشیان، آشوب را خاموش و امنیت را دوباره در هرات قیام کردند و بر اقامتگاه اسماعیل خان نیز پهره گذاشتند. بدینسان اسماعیل خان نخستین ضربه شصت امریکا را احساس کرد و در خانه اش زیر نظارت قرار گرفت.

پس از انتخابات ریاست جمهوری بار دیگر قرعه وزارت انرژی و آب به نام او برآمد و این بار صلاح در آن دید تا پست جدید را بپذیرد و به کابل برود. وقتی سایه استبداد وی از سر مردم هرات گم شد، دلهای مردم از شادمانی مالا مال گردید و قفل سکوت از لبها برداشته شد و مردم خاطرات و چشم دیدهای جانکاه خود را از دوره حکومت اسماعیل خان برای رسانه های گروهی حکایت کردند.

## فرازهایی از گزارشهای خبرگزاران بین المللی :

نهادهای حقوق بشر جهانی معمولاً برای جمع آوری اطلاعات از حوادث و رخداد های مهم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی گزارشگران خود را به افغانستان ویا ولایت مورد نظر میفرستند و آن گزارشگران سعی میکنند با مردم عادی ویا اشخاصی که دچار مصیبت شده اند در تماس شوند و حقایق را از زبان مصیبت رسیدگان بدون حب و بغض شخصی بشنوند و ضبط نمایند. رسانه های بین المللی نیز از میان مردم محل، کسی را که اولاً بزبان انگلیسی بلد باشد و ثانیاً در رشته خبرنگاری و ژورنالیزم تجربه و سابقه ای داشته باشد به عنوان گزارشگر برمی گزینند تا با رعایت اصل راستی

دردستی، گزارش خود را روزانه تهیه و ارسال کنند و طبعاً در صورتی که واقعه ای بغلط گزارش داده شود، شخص گزارشگر اعتبار خود را و در نتیجه کار و حقوق خود را از دست میدهد. بنابراین گزارشگر هیچ ضرورتی به تهیه گزارش های دروغی ندارد و این افراد و اشخاص خاصی، متجاوز و ناقضین حقوق بشراند که متوسل به دروغ گوئی و کتمان حقایق میشوند. بنابراین متهم ساختن نهادهای بین المللی حقوق بشر یا رسانه های گروهی و منجمله گزارشگران bbc، و صدای آمریکا، هیچگاهی از جرم و جنایات ناقضین حقوق بشر در حق زنان و اقلیت های قومی و سایر شهروندان در ولایات دور دست نمی کاهد. بنابراین در زیر فرازهایی از گزارش های این نهادها و سازمانهای بین المللی در باره راه و روش حکومتداری اسماعیل خان بازتاب داده میشود و قضاوت را به خوانندگان وامیگذارم.

### همه امیدهای ما بر باد رفت:

سازمان نظارت بر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارشی اطلاع داد که: در غرب افغانستان جنایات یک جنگ سالار دیگر که هم قماش دوستم است، بدون عکس العمل مقامات بین المللی ادامه دارد. گزارش می افزاید: علی الرغم حضور نظامی آمریکا در منطقه «اسماعیلخان» که خود را «امیر هرات» لقب داده است، با خشونت وحشیانه بی بر شهر حکم میراند.» این تورن اسبق که بارها به ایران فرار کرده بود، در نوامبر ۲۰۰۱ با پول و تجهیزات ائتلاف بین المللی وارد شهر هرات گردید. اسماعیل خان از نظر «دونالد رامسفلد» وزیر دفاع امریکایی «شخص، ملایم و قابل اعتماد» است، اما از دیدگاه شاهدان عینی که با نمایندگان سازمان نظارت بر حقوق بشر گفتگو کرده اند، «یک جانی و یک آدمکش خونی است». گزارش می افزاید: «در هرات توقیف، شکنجه و خشونت جسمی، ارباب، آزار اقلیتهای قومی بخصوص اقلیت پشتون، سرکوب آزادیهای دموکراتیک، تبعیض جنسی و صدها اقدام سرکوبگرانه دیگر زندگی روزمره مردم را زهرآگین کرده است.»

یک باشنده هرات به نماینده سازمان نظارت بر حقوق بشر گفت: «چی چیز در افغانستان تغییر کرده است؟ تمام امیدها ما بر باد رفته است... همان جنگ سالاران دیروز بار دیگر به قدرت رسیده اند. بنیاد گرایی بار دیگر بیداد میکند و روز تاروز نیرومند تر میشود.» گزارش از حامد کرزی خواسته است تا یک هیئت مختلط افغانی- ملل متحد راجعت بر رسی جنایات به منطقه هرات بفرستد و اقدامات جدی را برای حفظ جان شاهدان عینی روی دست گیرد. (مجله آینده، شماره ۱۶، ۲۰۰۳)

جان سیفتن، مسئول بخش آسیایی اداره نظارت بر حقوق بشر در نیویارک و یکی از نویسندگان این گزارش گفته است: جامعه بین المللی میگوید که خواستار کاهش میزان قدرت و نفوذ فرماندهان محلی در افغانستان است، اما «در غرب افغانستان جامعه بین المللی دوست کسی است که از دشمنان حقوق بشر بشمار می آید.» در این گزارش همچنان گفته شده است که در سال ۲۰۰۲ والی هرات، اسماعیل خان، شخصاً دستور باز داشت و ضرب و شتم مخالفان سیاسی خود را صادر کرده است. افراد زندانی شده توسط چوب و کیبل و قنداق تنگ، لت و کوب گردیده و در بسا موارد زندانی ها از پا آویزان شده و بوسیله شوک های برقی شکنجه میشوند. این گزارش حاکی از خشونت علیه اقوام پشتون و تصفیة آنها در هرات حکایت دارد. راپور می افزاید: «اسماعیل خان و پیروانش ژورنالستان و ناشرین را اخطار داده و یک تعداد سازمان های داخلی را که اجازه فعالیت داده بشدت تحت کنترل دارند، گروه های غیر سیاسی از اجتماع کردن خود داری میکنند و محصلین پوهنتون از مباحثه پیرامون سیاست اجتناب مینمایند.

جان سیفتن میگوید: «هرات از قرنهای بدینسو به حیث مرکز آزاد تمدن و فراگیری علم و دانش شناخته شده است. طالبان کوشیدند تا آنرا نابود سازند. اکنون اسماعیل خان راه آنها را ادامه میدهد.» اسماعیل خان که مناسبات نزدیکی با ایران دارد، گفته میشود که فرماندهی ۳۰ هزار ملیشه را بدوش دارد که از بهترین ارتش های شخصی در افغانستان از نگاه تعلیمات نظامی و سلاح میباشد. از وقتی که وی قدرت را بدست گرفته است، اقلیت های پشتون در منطقه از چور و چپاول و آزار و اذیت افراد مسلح اسماعیل خان بصورت درد آوری شکایت دارند.

سیفتن می افزاید: «(امریکا و ایران بالای اسماعیل خان نفوذ قوی دارند. آنها وی را در موقف امروزه اش جابجا کرده اند، اکنون آنها مسوولیت دارند تا اسماعیل خان را مجبور سازند که در روش خود تجدید نظر نماید.» جان سیفتن میگوید: ما به این نظر هستیم که در حال حاضر وضع در غرب افغانستان بدتر شده میرود، و این امر به ایالات متحده و متحدینش نشان خواهد داد که افغانستان برخلاف آنچه که فکر میکنند، آزاد نشده، بلکه در حقیقت با مشکلات جدی مواجه است. (بی بی سی، ۴ نومبر ۲۰۰۲، برنامه مجله آسیای میانه)

جان سیفتن بعداً در گفتگویی رادیویی با بی بی سی نیز علاوه نمود که هیئت نظارت بر حقوق بشر در هرات با یکصد تن از باشندگان آنجا مصاحبه نموده و بعد این گزارش را برویت این مصاحبه ها تهیه کرده است. مردم از مصاحبه با خارجی ها در هراس اند و در آغاز میگویند اسماعیل خان آدم خوبی است، اما اگر مصاحبه در خفا صورت بگیرد و شخص مطمئن شود که نامش افشا نخواهد شد، آنگاه به بیان حقایق می پردازند و شما میتوانید به میزان ترس و ارباب مردم از شیوه حکومت استبدادی در هرات پی ببرید. (جان سیفتن، نه پشتون است و نه به حزب خلق و پرچم، تعلق دارد تا بر او اتهام تعصب قومی زده شود، بلکه یک امریکائی از مدافعان حقوق بشر است.)

خبرگزاران بین المللی میگویند که اسماعیلخان اکنون به یک چهره مستبد تبدیل شده است و کسی نمی تواند از او انتقاد کند، زیرا هرکه از او انتقاد نماید، وی را مخالف خود پنداشته زندانی میکند و به لت و کوبش می پردازد. ژورنالیستهای محلی تحویف و تهدید میگردند. نشرات مستقل وجود ندارد و همه چیز تحت کنترل خودش قرار دارد. کمیته حفاظت ژورنالیستان مقیم امریکا در گزارشی که به مناسبت روز تجلیل از روز جهانی مطبوعات منتشر ساخته، افغانستان را برای ژورنالیستان کشور خطرناک دنیا نامیده است. مسئول بخش تحقیق آسیایی اداره نظارت بر حقوق بشر، جان سیفتن میگوید: در افغانستان ارتش، پولیس و نیروهای استخبارات، به ژورنالیستان تهدید مرگ میدهند. ژورنالیستان را دستگیر میکنند و بطور موثر آنها را خاموش میسازند. او مثالی از جلال آباد، هرات و کابل ارائه داشته است. درگریز و جلال آباد قوماندانان آنعه ژورنالیستان را که از بی امنیتی اوضاع گزارش میدهند، تهدید به مرگ نموده اند و اسماعیل خان والی هرات، یکی از خبرنگاران رادیوی آزادی را دستگیر و پس از سیلی کاری از هرات اخراج نمود. والی هرات دستگاه های گیرنده تلویزیون ماهواره بی را منع و دستور داده است تا تمام (CD) فلم های امریکایی و هندی را بسوزانند و مانع ورود و دیدن فلم های ویدیویی گردند.

با در نظر داشت این دستاویزهای اسماعیل خان است که خان ملالی نظام مدافع حقوق زنان باری نوشت: جای اسماعیل خان وزارت حج و اوقاف بود نه وزارت انرژی، ولی اگر من جای ملالی نظام بودم میگفتم جای اسماعیل خان زندان گوانتامو بود که با عملکردهای سخت گیرانه تر از اداره امر بالمعروف و نهی از منکر طالبان بر زنان هرات، بسی را مجبور به خودسوزی کرده است.

### نقض خشن حقوق زنان:

رسانه های معتبر بین المللی، در سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۴، پیوسته گزارش داده اند که: گسترش تجاوز و سرقت مسلحانه، غالباً توسط نیروهای امنیتی افغان، تاثیر وحشتناکی روی زنان داشته است. دختران به دلیل نا امنی راه ها در روز روشن جرئت نمیکنند به مدرسه بروند و مادرانشان هم به همین دلیل نمی توانند به مراکز صحتی یا دکتر و بیمارستان مراجعه کنند. وقتی هم که به یک زن تجاوز میشود، به دلیل لکه دار شدن شرافت خانوادگی، جانش توسط اقوام خودش تهدید میشود. گروه دیده بان حقوق بشر در گزارش خود تصریح کرده که «بسیاری از زنان و دختران در واقع زندانیان خانه های خود هستند» عفو بین المللی نیز از قول یک کارگر افغان آورده که: «در زمان طالبان اگر زنی یک ساتنی از بدنش معلوم میشد شلاق میخورد، اما اکنون به او تجاوز میکنند.» کشتن زنان و دخترها بخاطر شرافت خانوادگی و ازدواج های زود هنگام و اجباری عمیقاً در جامعه افغانستان ریشه دوانیده است. روند تغییرات باید از جایی آغاز شود و مهمتر از همه تامین امنیت در افغانستان است.

در تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۰۲ خبرگزاری رویتر، از هرات گزارش داد که برگزاری محافل عروسی در رستوران های هرات بار دیگر بدستور اسماعیلخان ممنوع گردیده است. این قیود چهار ماه قبل زمانی در هرات وضع گردید که یک دختر جوان هراتی به دلیل اینکه والدینش قادر به برگزاری محفل عروسی او در رستوران نشده بودند، خود را آتش زد. اما بعد بنابر شکایات مردم آن قیود لغو شد، ولی این بار اسماعیل خان به دلیل اینکه برگزاری این گونه محافل سبب میشود تا زنان و مردان برقصند و در هنگام رقص ایشان با هم در تماس می آیند و این کار خلاف شریعت است. اسماعیل خان این تصمیم خود را رنگ شرعی داده و گفته است که بنابر فیصله شورای علمای دینی هرات مردم مجبورند از برگزاری محافل خوشی در رستورانها خود داری ورزند. در ماه سپتمبر ۲۰۰۲ اسماعیل خان دستور داده بود که برای زنان اجازه نیست به پارک ها از طرف شب گردش کنند و نیز حق ندارند لباس های رنگه بپوشند و در ملاء عام ظاهر شوند. (درد دل افغان، شماره ۴۳، صص ۱۴، ۳۷)

سازمان نظارت بر حقوق بشر در گزارش خود که در نیمه دسامبر ۲۰۰۲ انتشار داد، ابراز نظر کرد که: زنان و دختران در بخش هایی از افغانستان همچنان تحت فشار و محدودیت های شدید، مزاحمت و بد رفتاری قرار دارند. این سازمان در گزارش خود وضعیت زنان در هرات را مورد توجه قرار داده، هوشدار می دهد که وضعیت در هرات نشانه ای از تحولات مشابه نقض حقوق زنان در سایر مناطق کشور است. در این گزارش به سوء رفتار پلیس با زنان، معاینه اجباری برای اثبات باکره گی و محدودیت هایی اشاره میشود که یاد آور دوره طالبان است. بنابر این گزارش، در هرات پلیس، مقامات محلی و گروه های سازمان داده شده بی از پسر بچه های مدارس، رفتار و ظاهر زنان را تحت مراقبت دارند. این گزارش از مطالبی در تلویزیون و روزنامه های محلی نقل قول میکند که در آنها، والی هرات اسماعیل خان به تعیین قواعد رفتار زنان و دختران پرداخته است. بر اساس این قواعد، آزادی رفت و آمد زنان محدود شده است و زنها و دختران بزرگ سال در هنگام خروج از خانه باید با برقع یا چادری خود را کاملاً بپوشانند.

در گزارش سازمان نظارت بر حقوق بشر اسنادی ارائه میشود که نشان میدهد: شهروندان هرات و زنان و دخترانی که با مردان قدم میزدند یا در موتر آنها سوار بوده اند و یا حتی با مردان در خانه و حریم خصوصی خود تنها بوده اند، دستگیر شده اند. بعد از چنین دستگیری هایی زنان از سوی دکتران معاینه میشوند تا معلوم شود که آیا به ایجاد رابطه جنسی پرداخته اند یا نه و آیا باکره هستند یا خیر؟ بدنبال این سختگیریها، اسماعیل خان دستور داده بود که دختران حق

ندارند باپسران یکجا درس بخوانند و در دانشگاه صنوف دختران از پسران جدا شده است و کورسهای خصوصی حق ندارند به آموزش دختران بپردازند.

افزون بر این اسماعیل خان استبداد و تعصب مذهبی رابحدی رساند که زنان شریف هرات را که با اقارب و یا مردان خود از منزل بیرون میرفتند، مورد پیگرد قرار میداد و موضوع باکره بودن دختران را که یک امر بسیار خصوصی است، مورد تست و معاینات طبی قرار میداد و انانی را که در این آزمون پست ناکام بیرون می آمدند و یا ناکام ساخته میشدند به زندان می سپرد و طبعاً اقارب شان مورد توهین و تحقیر پولیس مخفی قرار میگرفتند و بالنتیجه زنان "متهم" که دیگر روی بازگشت به خانه را نداشتند مجبور میشدند خود را آتش بزنند و از سر سرزنش فامیل و اقارب و همسایگان خود را راحت کنند. یک چنین توهینی را مردم هرات در طول تاریخ از سوی هیچ مهاجم بیگانه ای ندیده بودند که در زمان امارت خود ساخته اسماعیل خان دیدند. اسماعیل خان تا قبل از شکست و فرار از دست طالبان آدم خوب و قابل احترامی بود، ولی پس از شکست و فرار به ایران او زنجیر غلامی سازمان اطلاعات ایران را برگردن انداخت و بعد از سقوط طالبان و اشغال دوباره هرات، او به مدافع جدی منافع ایران در افغانستان تبدیل شد و اجراءات او در هرات حتی از رژیم اسلامی ایران هم سخت گیرانه تر و در بسا موارد دست رژیم طالبان را از پشت بسته بود.

سازمان نظارت بر حقوق بشر در افغانستان تا اخیر ماه جولای ۲۰۰۳ بیش از ۲۳۰۰ مورد نقض حقوق بشر و تنها در ماه جون (جوزا) در شهر مزارشرف بیش از ۷۰۰ مورد از نقض حقوق بشر را ثبت کرده و به نشر سپرده است. تجاوز بر حقوق زنان کشور از سوی تفنگ سالاران در تمام دوره پس از طالبان بسیار وحشتناک بوده است. اداره مستقل حقوق بشر افغانستان تنها در سال ۲۰۰۵ از ۱۳۰۰ مورد نقض حقوق بشر در حق زنان افغانستان را ضبط کرده است که من از آن در مقالات دیگری: "وضعیت حقوقی زنان در سال ۲۰۰۵"، و "جنایت درجامه جهاد" متذکر شده ام.

سازمان نظارت بر حقوق بشر سازمان ملل متحد در گزارش پنجم صفحه ئی خود که در ۱۱ جنوری ۲۰۰۷ مواد مربوط به افغانستان آن در بخش فارسی بی بی سی انتشار یافت، یک بار دیگر از اسماعیل خان در ردیف ناقضین حقوق بشر در زمره برهان الدین ربانی، سیاف، فهیم، دوستم، و کریم خلیلی و محقق و حکمتیار و ملا عمر نام برده شده و به دولت افغانستان گوشزد کرده است تا ایشان را بچنگ عدالت بسپارد. (بی بی سی ۱۱ جنوری ۲۰۰۷)

### سیاست تبعیض نژادی و تصفیة قومی اسماعیلخان:

یکی دیگر از روش های استبدادی و خشونت بار حاکمیت در مناطق تحت تسلط اسماعیل خان، اعمال تبعیض نژادی نسبت به اقوام پشتون بود. اسماعیل خان هموطنان پشتون تبارمقیم آن ولایت را بیگانه می شمرد، چیزی که در هیچ یک از ولایات افغانستان مرسوم نبوده و نیست! **سید عبدالرحیم شیندندی** خبرنگار صدای امریکا، طی گزارشی از اعمال تبعیض و خشونت در حق پشتونهای هرات از طرف اسماعیل خان و هوادارانش نکات بسیار تکان دهنده ئی را یاد آور شده و مینویسد: پشتونهای هرات بشدت از صحبت با ژورنالستان هراس دارند. یک ژورنالست وال ستریت ژورنال، با یک صراف پشتون بنام خزان در مورد اعدام پشتونها در هرات مصاحبه داشت، درست ۳۰ دقیقه بعد از مصاحبه، خزان توسط پولیس مخفی اسماعیل خان توقیف گردید، وی بعد از لت و کوب فراوان، دونیم ماه در زندان شکنجه دید و بعد رها گردید. در آغاز سقوط طالبان، پشتونها در نقاط مختلف مجبور ساخته میشدند تا موترهای شخصی خود را به جنگ سالاران تسلیم نمایند. دکانداران و فروشندگان سیار پشتون در شهر هرات میکوشند با مشتریان حکومتی خود بسیار محتاط باشند تا به طالبان ارتباط داده نشوند. اکثریت پشتونهای متمول هراتی خانه و کاشانه خود را در هرات ترک کرده اند. افراد اسماعیل خان کتاب های پشتو را از کتاب فروشی هابرچیده و نیز اکثریت کتاب های پشتو را از کتاب خانه های دولتی جمع کرده اند. در ادارات دولتی هرات تبعیض در مقابل پشتونها بشدت جریان دارد. یک جوان هراتی پشتون که به تازگی از ایران برگشته و مایل بود به درس خود در مکاتب هرات دوام بدهد، هیچیک از مکاتب حاضر نشد او را به شاگردی بپذیرد و سرانجام به مدیریت تعلیم و تربیه مراجعه و تقاضای شمولیت خود را نمود، در مدیریت تعلیم و تربیه برایش گفته شد، برود کچالو فروشی نماید و از این احسان خوشحال باشد که در امنیت زندگی میکند.

این خبرنگار میگوید: مردم پشتون زرغون به نماینده صدای امریکا گفتند که سرور حیدری مشهور به سرور یک دست و رفیقش غازی محمد، هر دو در چندین واقعه دزدی و غارت و تجاوز به ناموس مردم در پشتون زرغون و مناطق اوبه دست دارند ولی بجای بازخواست از او، اکنون وی مسوول گارنیزیون شهر هرات است. غازی محمد که در زمان طالبان در کوه متواری بود، اکنون با باندش بر قریه های پشتون نشین حمله میکند و دست تجاوز به مال و ناموس مردم میزند. وی از پشتونهای ممدازائی (ظاهرأ: محمدزائی) که در نواحی اسلام قلعه بود و باش دارند، مالیه میگردد. زمین های زراعتی پشتونهای اچکزائی که در قریه سردار زندگی میکنند، وقتی زیر آب رفت که جنگ اوران اسماعیل خان بند آب قریه را ویران کردند و به علت قطع شدن آب از زمین های قریه اکثر اهالی از آن قریه کوچیدند و تعداد اندکی که توان کوچیدن نداشتند، وادار شدند تا به اسماعیلخان مالیات بپردازند و از شکنجه و مرگ نجات یابند. پشتونهای نورزی و اچکزی غوریان به سید عبدالرحیم خبرنگار صدای امریکا اظهار کردند که منطقه شان از طرف نیروهای اسماعیل خان محاصره شد و سه شبانه روز دارائی مردم غوریان به تاراج رفت و به ناموس شان تجاوز

صورت گرفت و مردم در داخل خانه های شان مورد لت و کوب قرار گرفتند، جوانان محل اجباراً فرار کردند و هرگز باز نگشتند و تنها پیرمردان و کودکان در منازل شان باقی مانده اند.

این خبرنگار می افزاید: گلران، منطقه ایست کاملاً پشتون نشین که باشندگان آن را اقوام اچکزی و اسحاق زی و علیزی تشکیل میدهد. این اقوام نظر به دیگر پشتونها های منطقه از وضع مالی بهتری برخوردارند. اکثریت باشندگان هرات به این عقیده اند که جنگ سالاران اسماعیلخان از اتحاد اقوام و سرمایه ایشان در هراس اند، لهذا بخاطر ضربه زدن به اتحاد شان، مالیه سنگین بالای شان وضع شده است. انجیل از نواحی مربوط به شهر هرات است، تعدادی پشتون نیز در این ناحیه زندگی میکنند، در یک شب این محل مورد هجوم تفنگداران اسماعیلخان قرار گرفت و هرچه از دست شان آمد در حق مردم پشتون در قریه شالیافان کردند و حتی لباسها پوشیدنی و گوشت قاق مردم را بردند، وقتی مردم به پولیس شکایت کردند، پولیس گفت: خودتان دزدان را دستگیر کنید و بما تسلیم دهید!

از نواحی قلعه ریگ، یک پشتون متمول توسط عساکر اسماعیلخان اختطاف و به دشت حوض برده شد و بطرز وحشیانه بی مورد لت و کوب و شکنجه قرار گرفت و پولهایش را تا آخرین قران از وی گرفتند و او را در حالیکه رمق حرکت نداشت در همان دشت رها ساختند، چوپانی بسر وقت این مرد روز گشته میرسد و او را از مرگ نجات میدهد. پاوران قریه ایست که در حدود ۹۲ خانواده از قوم اسحاقزی در آن زندگی میکردند، آن عده خانواده هایی که از وضع مالی بهتری برخوردار بودند نظر به تهدیدات و شکنجه های متواتر قوماندانان و عساکر اسماعیلخان مجبور به ترک قریه شده اند و اکنون فقط ۳۵ فامیل در آن قریه باقی مانده اند و اینان فامیل هایی اند که قدرت مهاجرت را ندارند. همسایگی پاوران، قریه کوچک دیگری متعلق به پشتونها بنام «نوائی کلی» وجود داشت، نواحی اطراف قریه بوسیله افراد قوماندان بسم الله از وابسته گان اسماعیل خان کنترل میشد. قوماندان بسم الله بصورت مستقیم به باشندگان قریه «نوائی کلی» اخطار داد که منطقه را ترک کنند، زیرا «خوش ندارم که مردم پشتون در اطراف منطقه من زندگی کنند». مردم قریه که میدانستند شکایت شانرا کسی در هرات نمیشنود، اجباراً به هر طرف پراکنده شدند و عده یی به گلران که متعلق به پشتونهاست پناه بردند.

این خبرنگار (که نه پشتون است و نه ازبک و نه تاجیک، بلکه سید است) با احساس وطن دوستی میگوید که: پشتونها در هرات بیشتر از هر جای دیگری مورد اذیت و آزار قرار گرفته و در برابر شان از تبعیض شدید کار گرفته میشود. زمانیکه خبر آمدن حامد کرزی به هرات در بین مردم پخش گردید، هزاران نفر از مردم پشتون و ریش سفیدان به جانب شهر روان شدند تا از ظلم و وحشتی که بالای شان تحمیل میشود، شکایت نمایند، ولی وقتی که آقای کرزی وارد هرات شد و هیچ عکس العملی از روش اداره اسماعیلخان نشان نداد، مردم مایوس شده و پس از راهی که آمده بودند برگشتند باری بزرگان و ریش سفیدان اقوام پشتون با اسماعیل خان ملاقات کردند و از برخورد عساکر او با مردم پشتون شکایت کردند، اما او به آنها اخطار داد که منبع افراد او را با این اتهامات بدنام نسازند. پشتونها های هرات به این باوراند که اسماعیلخان طرح تصفیه کامل پشتونها در هرات را دارد و بزودی هرات از قوم پشتون تهی خواهد شد. (مجله درد دل افغان، شماره ۴۳ ص ۳۸-۳۹).

در تداوم تصفیه های قومی توسط اسماعیل خان، در تاریخ ۲۸ ماه اپریل ۲۰۰۳ نیروهای اسماعیل خان بر چند روستای پشتون در بالامرغاب حمله کردند و ۳۸ نفر بشمول ۳ زن و دو کودک را کشتند و دارائی مردم پشتون را غارت کردند. در اوایل ماه می سال ۲۰۰۳، در برخوردهای جناحی در ولایت بادغیس و فاریاب پنجاه تن کشته و ۱۵ زن و کودک پشتون از ترس خود را در رودخانه بالا مرغاب پرت کردند و غرق شدند. خانه ها و فروشگاه های قریه جات پشتون غارت شدند. (bbc، ۵ می)

## گل آغا شیرزی بداد ما برس!

در آن اوضاع و احوال تبعیض آمیز، برخی از پشتونها های هرات صدای خود را تا گوش گل آغا شیرزی والی قندهار که از پشتونها های درانی است رسانیدند و از او خواستند تا به داد شان برسد. شیرزی ابتدا هیئتی را نزد اسماعیل خان به هرات فرستاد تا به وی گوشزد کنند که دست از آزار و اذیت پشتونها در هرات بردارد و مردم را به بهانه های مختلف مورد شکنجه و آزار و مواخذه قرار ندهد. اسماعیل خان به هیئت از اعمال تبعیض علیه پشتونها منکر شد و به این شیوه بخواست والی قندهار و قعی نگذاشت، بنابراین شیرزی والی قندهار که دید فرستادن هیئت او به دربار اسماعیل خان، بحال مردم مظلوم پشتون در آن ولایت فایده ای نکرده است، خود را برای دفاع از حقوق پشتونها های هرات آماده ساخت. بزودی ۲۰ تا ۳۰ هزار از جنگجویان قندهاری برای مقابله با اسماعیل خان آماده جنگ و حرکت شدند، و اگر سوقیات بسوی هرات آغاز میشد، طبعاً مردم هلمند و فراه و شیندند تحت سرکردگی امان الله شیندندی نیز به حمایت از جنگجویان قندهاری برمیخاستند. اینست که اسماعیل خان که قبلاً هم زور طالبان قندهاری را تجربه کرده بود، عاقبت خود را از

رویارویی با گل آغا شیرزی خطرناک ارزیابی نموده، به والی قندهار پیغام فرستاد که دیگر شکایتی از پشتونهای هرات نخواهد شنید ویزودی خود به شکایت آنها رسیدگی خواهد کرد. از آن بعد فشار از روی پشتونهای هرات کمتر شد، مگر بسیاری از آنها که از خانه وکاشانه خود بیجا شده بودند تا زمانی که اسماعیل خان در هرات والی بود، بر سر خانه زمین خود برنگشتند. گل آغاشیرزی هم به تقویت قوماندانان امان الله در شیندند ادامه داد تا اینکه اسماعیل خان را در تصرف مناطق تحت سلطه امان الله خان در شیندند ناکام و ادار به عقب نشینی کرد و سرانجام با قوت پشتونها تحت رهبری امان الله خان نورزی بود که دست اسماعیل خان را از کنترل شیندند کوتاه نمود.

قابل یاد آوری است که پشتونهای هرات، از اقوام قدیمی هرات اند که چه در مقابله با مهاجمین ترک و مغول و ازبک و صفویان و قاجاریان ایران و چه با انگلیسها در قرن ۱۹ و چه با روسها در پایان قرن بیستم، همواره در صف اول مقاومت و دفاع از حیثیت و شرف ملی خود و زادگاه خویش در کنار سایر باشندگان هرات قرار داشته اند. تاریخ هرات گواه این ادعاست و اسماعیل خان و هواداران وی با این کارهای نابردانه خود، بر وحدت ملی افغانستان شدیداً صدمه زده و دشمنی میان اقوام شریف ساکن در هرات راریشه دار کرده است. اسماعیل خان می باید بخاطر حفظ وحدت ملی در ایجاد و تقویت دوستی و برادری میان ساکنان هرات سعی مینمود و بدستور بیگانگان دست به اعمال خشونت و تبعیض نمی زد و خود را بد نام تاریخ نمی ساخت. خوشبختانه حکومت کابل که مترصد اوضاع بود، بالاخره امارت مطلق العنان اسماعیل خان را در هرات نه از طریق مسالمت آمیز، بلکه با فشار نظامی پایان داد. این روند برای اسماعیل خان با قربانی شدن فرزند جوانش، صادق پایان یافت.

### روای امارت اسماعیل خان، چه پیام میداد ؟

اسماعیل خان، از زمانی که خود را به عنوان "امیر" در غرب کشور جابجا کرد، خواب های تشکیل امارت اسلامی جدیدی را در غرب کشور در سر می پروراند. بسیاری از زمینه های تحقق این رویا نیز فراهم شده بود. یکی از نشانه های خود مختاری و استقلال اعلام نشده هرات از حکومت مرکزی در زمان حاکمیتش، آن بود که وی با قدرت های خارجی در غرب کشور گفتگوهای سری و مستقیمی را سازمان میداد و بدون استیذان مرکز به کشورهای ترکمنستان و ایران سفر های رسمی به عمل می آورد و قراردادهایی را با مقامات آن کشور ها می بست. به همین منظور اسماعیل خان به تشکیل یک اردوی منظم سی هزار نفری برای خود پرداخت و حاضر نبود از عواید گمرکات ولایت هرات به مرکز حساب پس بدهد یا از دستورات مرکز تبعیت نماید.

شاید یکی از کارهای تاریخی کرسی، درحیثیتش، پس کردن اسماعیلخان از هرات باشد. اسماعیل خان تاهنوز خواب امارت هرات را می بیند و بنا برین تاهنوز دستمال امارت را که نه لنگی افغانی است و نه مندیل هراتی، و نه چل تار عربی، بلکه یک پارچه خطی چارگوشه برسر دارد و به هواداران خود، افاده امارت اسلامی هرات رامیفروشد. تحلیلگران اوضاع بدین باورند که در شرایط هرج و مرج سیاسی در افغانستان، این تنها امریکاست که «قمچین رام کردن» سرکشان را بدست دارد و اگر بخواهد هر سردار جنگی محلی را میتواند بر سر جایش بنشاند و حکومت مورد حمایت خود (و از جمله کرسی) را از شرجنگسالاران معتاد به جنگ و کشت تریاک رهائی ببخشد و ثبات و امنیت عمومی را در کشور تأمین کند، ولی اینکه امریکا چه زمانی میخواهد اینکار صورت بگیرد، جوابش را از جورج بوش باید پرسید! امریکا یک طرف از دولت حامد کرسی طرفداری مینماید و از جانب دیگر فرماندهان محلی را با پول و اسلحه حمایت میکند. در چنین شرایطی است که فرماندهان محلی دولت مرکزی را چنانکه باید تحویل نمی گیرند و هر چه خود شان میخواهند با مردم تحت سلطه خویش میکنند. طبعاً این امر پروسه امنیت و ثبات سیاسی را در کشور ناکام میسازد و سبب شکایات مردم و سازمانهای حقوق بشر از عملکرد دولت و فرماندهان محلی میگردد.

تمام گزارشهای فوق الذکر، حکایت از این میکند که اسماعیلخان، مثل دیگر جنگ سالاران ائتلاف شمال، دارای کرکتر خشن، مستبد، خودخواه، متعصب و تبعیض طلب و وابسته بکشورهای خارجی می باشد و نسبت به زنان در عهد حکمرانی خود در هرات، برخورد سخت گیرانه تر از طالبان داشته است. و بنا برین از دیدگاه های حقوق بشر و مردم هرات، وی یک جنایتکار و قابل محاکمه در دادگاه های بین المللی میباشد.

پایان